

عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی

زنان جوان در ایران

زهرا کریمی موغاری

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران - بابلسر

الهام جهان تیغ*

کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران - بابلسر

چکیده

امروزه با توجه به وضعیت نامناسب بازار کار ایران اشتغال غیررسمی به‌ویژه در میان زنان جوان افزایش یافته است. لذا بررسی وضعیت اشتغال آن‌ها حائز اهمیت است. در این مقاله وضعیت اشتغال غیررسمی زنان جوان ۲۵-۱۵ سال با استفاده از طرح درآمد - هزینه خانوار در سال ۱۳۹۰ بررسی شد، سپس با به‌کارگیری مدل لاجیت عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی توضیح داده شد. در این پژوهش از حداقل مزد به عنوان شاخصی برای برآورد اشتغال غیررسمی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ سهم زنان در اشتغال غیررسمی بالا و نسبت به مردان بیش‌تر است. شهری بودن، تحصیلات دانشگاهی و متأهل بودن احتمال اشتغال غیررسمی را کاهش می‌دهد.

واژگان کلیدی

اشتغال غیررسمی؛ زنان جوان؛ طرح هزینه - درآمد خانوار؛ مدل لاجی

* نویسنده مسئول

مقدمه و بیان مسئله

امروزه میلیون‌ها نفر در سرتاسر دنیا (به ویژه در کشورهای در حال توسعه) در واحدهای اقتصادی مشغول فعالیت هستند که کوچک بودن مقیاس و حجم عملیات، کاربر بودن روش‌های تولید، شفاف نبودن روابط کار و مهارت‌های اندک شاغلان آن از مهم‌ترین مشخصات این بنگاه‌ها است. این فعالیت‌ها فعالیت‌های غیررسمی نامیده شده‌اند که یا به دلیل فقدان توانایی لازم یا به دلیل مطابقت نداشتن با چارچوب‌های قانونی انگیزه لازم برای پیروی از قوانین و مقررات را ندارند و به همین دلیل خارج از بخش رسمی قرار می‌گیرند و شاید در بخش رسمی نیز این اتفاق بیفتد (رنانی ۱۳۹۰).

در ایران نیز با توجه به جوان بودن جمعیت کشور و ورود زنان به بازار، عرضه نیروی کار در حال افزایش است. از طرفی به دلیل فقدان سیاست‌گذاری‌های مناسب در بازار کار، اشتغال غیررسمی - مشاغلی که خارج از ساختارهای رسمی هستند، به عبارتی شامل کار در واحدهایی است که به منظور فرار از مالیات به ثبت نرسیده‌اند یا از نظارت نهادهای دولت مخفی مانده‌اند، اما در سایر موارد قانونی هستند (سازمان بین‌المللی کار ۲۰۰۲) - افزایش یافته است.

با توجه به اینکه زنان نیروی کار دوم در جامعه به حساب می‌آیند، سهم زنان در مشاغل غیررسمی بیش‌تر از مردان است. بنابراین، شناخت عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی زنان برای سیاست‌گذاری‌های مناسب در زمینه اشتغال آن‌ها مفید است. در راستای این هدف، مطالعه حاضر تلاش دارد تا عوامل اقتصادی - اجتماعی اثرگذار بر اشتغال غیررسمی زنان جوان (۲۵ - ۱۵) را در ایران در سال ۱۳۹۰ بررسی کند. به این منظور با استفاده از ریزداده‌های طرح هزینه - درآمد خانوار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ و مدل لاجیت، عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی این گروه بررسی می‌شود. از جمله متغیرهای بررسی شده در این مطالعه سن، وضع سواد، سرپرست بودن، وضعیت زناشویی و مکان زندگی بود.



بازار کار دوگانه

نظریه بازار کار دوگانه، اقتصاد را به دو بخش اولیه (بخش رسمی با ارزش افزوده بالا) و ثانویه (بخش غیررسمی با ارزش افزوده پائین) تقسیم می‌کند.

در بخش اولیه یا رسمی، کارگران دارای دستمزد بالا، مزایای خوب، امنیت شغلی و دارای تشکل هستند. بخش ثانویه یا غیررسمی توسط روابط کوتاه مدت اشتغال، فقدان ارتقاء یا ارتقاء کم و تعیین دستمزد توسط نیروهای بازار مشخص می‌شود. ویژگی مشاغل این بخش مهارت کم، درآمد پایین، ورود آسان، ناپایداری شغلی و بازده پایین آموزش یا تجربه است. بازار کار غیررسمی یا ثانویه بیش‌تر شامل زنان، نوجوانان، اقلیت‌های قومی و مردم محروم است. کارگران بخش غیررسمی نمی‌توانند در شرایط مساوی برای یافتن شغل با کارگران بخش رسمی رقابت کنند.

در دیدگاه ساختارگرایان، بازار کار به دو بخش اصلی و فرعی تقسیم می‌شود که ممکن است مکمل یکدیگر باشند. در این دیدگاه اشتغال غیررسمی می‌تواند به عنوان قسمتی از بازار کار فرعی باشد که افزایش در تعداد کارگران بخش غیررسمی نه تنها اثری منفی بر اشتغال بخش رسمی ندارد، بلکه می‌تواند بنگاه‌ها و کارگران این بخش را با ارائه بخشی از خدمات کاری - با هزینه کم‌تر به جای استخدام مستقیم یا کار به صورت پیمانکاری - متفع کند.

دیدگاه سازمان بین‌المللی کار در ارتباط با بخش غیررسمی قبل از سال ۲۰۰۰

سازمان بین‌المللی کار در راستای برنامه اشتغال جهانی خود، که در نشست ۱۹۶۷ اعلام شد، هیأت‌هایی به کشورهای در حال توسعه فرستاد تا ریشه‌های بیکاری در این کشورها را بررسی و راهکارهای مناسب پیشنهاد دهند.

یکی از این مأموریت‌ها در سال ۱۹۷۲، در کنیا انجام شد. در این پژوهش ملی به مفهوم بیکاری آن‌گونه توجه شد که در کشورهای توسعه یافته به کار می‌رود و تفاوت بیکاری آشکار و بیکاری پنهان به درستی بررسی شد.

این پژوهش‌ها نشان داد که گرچه نرخ بیکاری آشکار در کشورهای رو به توسعه پایین است، ولی چنانچه کارکنان پاره وقت و کسانی را که در زمینه‌های غیرمولد کار می‌کنند بیکار به شمار آوریم، نرخ بیکاری بالا می‌رود. بررسی‌های هیأت فرستاده شده به کنیا از آن لحاظ اهمیت داشت که به جای بیکاری بر اشتغال متمرکز شده بود. در گزارش هیأت آمده بود که از دید ما مسئله اصلی اشتغال است نه بیکاری. منظور این است که گذشته از بیکاران که درآمدی ندارند گروه بزرگ‌تری نیز هستند که کار می‌کنند، ولی درآمد بسیار اندکی دارند و تهیدستان دارای کار خوانده می‌شوند. این چرخش دید از آن رو بود که در کشورهایی که بیمه بیکاری وجود ندارد، کم‌تر کسی بدان اندازه داراست که بتواند یکسره بیکار بماند. هیأت بررسی‌کننده دریافت که بسیاری از جوانان مهاجر روستایی نمی‌توانند در بخش‌های مدرن اقتصادی جذب شوند. زیرا اعمال سیاست جایگزینی واردات سبب شده است که سرمایه در بخش تولیدات صنعتی از راه سرمایه‌گذاری‌های خارجی افزایش و نیاز به کارگر غیرماهر بسیار کاهش یابد. بدین‌سان، مهاجران روستایی مجبور هستند به بخش غیررسمی اقتصاد روی آورند. بخشی که فعالیت‌های آن چندان به چشم نمی‌آید، در آمارها منظور نمی‌شود و از مقررات و حمایت‌های دولت دور است. بنابراین، بررسی‌کنندگان دریافتند که بخش غیررسمی یکی از زمینه‌های فعالیت اقتصادی است که توان بالایی برای ایجاد اشتغال همراه با بازدهی و بهره‌وری پایین دارد. بدین‌سان، اصطلاح «بخش غیررسمی» به گونه رسمی در پهنه بین‌المللی به کار گرفته شد (عیسی‌زاده و همکاران ۱۳۹۱).

سازمان بین‌المللی کار، اصطلاح بخش غیررسمی را برای هر واحد تولیدی کوچک مقیاس دارای یک یا چند ویژگی زیر تعریف کرده است (رضوانی ۱۳۸۴):

۱. آزادی ورود و خروج
۲. وابستگی آن به منابع داخلی
۳. خانوادگی بودن مالکیت کارگاه



۴. کوچک و محدود بودن کارکردها و فعالیت‌ها
۵. کاربرد بودن روش‌های تولید و تکنولوژی مورد استفاده
۶. کسب مهارت‌ها از بیرون از نظام رسمی مدارس
۷. وجود بازارهای رقابتی و دور از کنترل

تعریف سازمان بین‌المللی کار از بخش غیررسمی

در قطع‌نامه پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی آمارشناسان کار، بخش غیررسمی چنین تعریف شد (عیسی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱):

۱. بخش غیررسمی آمیزه‌ای از واحدهایی است که کالا و خدمات تولید می‌کند و نخستین کارکرد آن‌ها ایجاد اشتغال و درآمد است. این واحدها با تقسیم کار محدود یا بر پایه نبود تقسیم کار میان کار و سرمایه به عنوان عوامل تولید، سطح پایینی از سازماندهی دارند و در مقیاس کوچک عمل می‌کنند. روابط کاری به جای اینکه بر پایه ترتیبات قراردادی با ضمانت‌های رسمی باشد، بیش‌تر بر اشتغال موقت، خویشاوندی یا شخصی و روابط اجتماعی استوار است.
۲. واحدهای تولیدی بخش غیررسمی ویژگی‌های مشترکی با مؤسسات خانوادگی دارند. دارایی‌های ثابت و دیگر دارایی‌های مورد استفاده، متعلق به واحدهای تولیدی نیست و از آن صاحبان آن‌ها است. واحدهای بخش غیررسمی نمی‌توانند به نام و به گونه مستقل داد و ستد کنند یا با دیگر واحدها قرارداد ببندند یا ایجاد بدهی کنند. مالکان، بدون هرگونه محدودیت با پذیرش ریسک در موارد لازم فرایند تولید را تأمین مالی می‌کنند و بابت پرداخت هر هزینه‌ای شخصاً متعهد می‌شوند. هزینه‌های تولید را در بیش‌تر موارد نمی‌توان از هزینه‌های خانوار بازشناخت.

۳. فعالیت واحدهای تولیدی بخش غیررسمی همواره با هدف فرار از مالیات و هزینه‌های تأمین اجتماعی یا سرپیچی از مقررات کار و دیگر مقررات و قوانین اداری انجام نمی‌شود و مفهوم فعالیت‌های غیررسمی را یکسره باید از مفهوم فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی جدا دانست.

نگرش سازمان بین‌المللی کار بعد از سال ۲۰۰۰ (اشتغال غیررسمی)

در اواخر دهه ۱۹۹۰، مطرح شدن موضوعات جدید مانند تأثیر جهانی شدن بر وضعیت شاغلان بخش غیررسمی و نیاز به داشتن کار شایسته نشان داد که روش اندازه‌گیری بخش غیررسمی و حیطه تعریف شده برای این مانند تعریف اتخاذ شده در پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی آمارشناسان کاربخش قادر نیست تا تمام ابعاد غیررسمی بودن مشاغل را پوشش دهد. آنگاه مفهوم اشتغال غیررسمی برای پوشش دادن انواع مشاغل غیررسمی مطرح شد. بخش غیررسمی براساس ماهیت بنگاه تعریف می‌شود در حالیکه اشتغال غیررسمی گسترده‌تر است و حمایت‌های شغلی را معیار قرار می‌دهد.

از آنجا که تعریف مؤسسه‌ای از بخش غیررسمی نمی‌توانست همه ابعاد اشتغال غیررسمی را پوشش دهد پیشنهاد شد که کارکنان در بخش‌های رسمی و غیررسمی، بر پایه جایگاه خود در این بخش‌ها دسته‌بندی شوند. این چارچوب، مفهوم آماری اشتغال در بخش غیررسمی را به مفهوم گسترده‌تر اشتغال غیررسمی پیوند می‌دهد. بر مبنای توافق اخیر، واحدهای تولیدی به سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند: شرکت‌های بخش رسمی، شرکت‌های بخش غیررسمی و خانوارها. شرکت‌های بخش رسمی شرکت‌هایی را دربر می‌گیرد که شخصیت حقوقی دارند (شامل بنگاه‌های شبه شرکتی)، مؤسسات غیرانتفاعی، شرکت‌های متعلق به واحدهای دولتی و آن دسته از شرکت‌های خصوصی تولید کننده کالا یا خدمات برای فروش یا داد و ستد را که جزئی از بخش غیررسمی نیست.



واحدهای تولیدی بخش غیررسمی ویژگی‌های مشترکی با مؤسسات خانوادگی دارند. دارایی‌های ثابت و دیگر دارایی‌های مورد استفاده، متعلق به واحدهای تولیدی نیست و از آن صاحبان آنهاست. واحدهای بخش غیررسمی نمی‌توانند به نام و به‌گونه مستقل دادوستد کنند یا با دیگر واحدها قرارداد ببندند یا ایجاد بدهی کنند. مالکان بدون هرگونه محدودیت با پذیرش ریسک در موارد لازم فرایند تولید را تأمین مالی می‌کنند و بابت پرداخت هر هزینه‌ای شخصاً تعهد می‌کنند. هزینه‌های تولید را در بیش‌تر موارد نمی‌توان از هزینه‌های خانوار بازشناخت.

خانوارها به‌عنوان واحدهای تولیدی به کالاهای خانگی تولید می‌کنند که منحصراً برای استفاده نهایی خود آنهاست. همچنین خانوارها کارگران داخلی (باغبان، نگهبانان، رانندگان، خدمتکاران و...) را استخدام و به آنها مزد پرداخت می‌کنند. تولید خدمات داخلی یا شخصی خانوارها (مثل کار خانگی، مراقبت از اعضای خانواده) که پرداختی برای آن صورت نمی‌گیرد و برای مصرف نهایی آنهاست از مطالعه حذف می‌شود، چنین فعالیت‌هایی در خارج از مرز تولید نظام حساب‌های ملی اصلاحی سازمان ملل متحد قرار می‌گیرند و اشتغال در نظر گرفته نمی‌شوند.

اشتغال غیررسمی شامل تمامی افراد شاغل در کارگاه‌های بخش رسمی، بخش غیررسمی یا خانگی است که از چتر حمایتی قانون کار محروم هستند. اشتغال غیررسمی شامل کارکنان مستقل (خوداشتغال) و افراد شاغل در کارگاه‌های غیررسمی متعلق به خود، کارکنان فامیلی صرف‌ظراً از اینکه در کارگاه‌های بخش رسمی یا غیررسمی کار می‌کنند، کارکنان دارای شغل‌های غیررسمی که در کارگاه‌های خانگی مشغول به کار باشند، اعضاء غیررسمی شرکت‌های تعاونی، کارکنان مشارکت‌کننده در تولید کالا منحصراً برای استفاده نهایی خود یا خانواده است (ضیائی بیگدلی ۱۳۸۳).

فانخوسر^۱ (۱۹۹۶) با استفاده از نتایج آمارگیری خانوارها در ۵ کشور آمریکای مرکزی از جمله گواتمالا، السالوادور، هندوراس، نیکاراگوئه و کاستاریکا، عوامل

^۱ Funkhouser

تعیین‌کننده اشتغال و ساختار درآمد را در دو بخش رسمی و غیررسمی مطالعه کرده است. براساس نتایج این مطالعه، ساعات کارکرد در گواتمالا، السالوادور و هندوراس هم برای مردان و هم برای زنان در بخش غیررسمی بالاتر است. از لحاظ متوسط درآمد، به طور کلی در میان مردان درآمد شاغلان بخش رسمی حداقل ۲۱٪ و حداکثر ۸۳٪ از درآمد شاغلان بخش غیررسمی بیش‌تر است. شاخص میانگین سال‌های تحصیلات برای مردان در بخش رسمی ۲۵ - ۵۰٪ بالاتر از این میانگین در بخش غیررسمی و این نسبت برای زنان به حدود دو برابر نیز می‌رسد.

برنابا^۱ (۲۰۰۲) اشتغال غیررسمی را در کشورهای در حال گذار مطالعه کرده است. نتایج مطالعه او حاکی از این مطلب است که افراد دارای تحصیلات پایین‌تر، بیش‌تر به صورت غیررسمی کار می‌کرده‌اند. همچنین ۴۳٪ از شاغلان غیررسمی مرد و ۵۷٪ زن هستند که بیش‌تر به صورت کارکنان فامیلی بدون مزد فعالیت دارند. همچنین اشتغال غیررسمی در روستاها بیش‌تر از شهرها است.

بوش^۲ و همکاران (۲۰۱۲)، به منظور تشریح افزایش غیر رسمیت در بازارهای کار برزیل از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۲، جریانات ناخالص نیروی کار را بررسی می‌کنند. آن‌ها به‌طور اخص اثر اصلاحات تجاری و سازمانی (شامل هزینه‌های افزایش‌یافته اخراج کارگر، قیود محدودتر برای ساعات اضافه کاری و محدودیت‌های کم‌تر بر فعالیت اتحادیه‌ها) صورت گرفته طی دوره مورد بررسی را آزمون می‌کنند. بر اساس یافته‌های آن‌ها تحركات کلان بخشی به‌طور جالب توجهی تحت تأثیر نرخ استخدام قرار دارند. در مقابل نرخ‌های استخدام نیز متأثر از اصلاحات سازمانی هستند. آزاد سازی تجاری تنها ۱ - ۲٫۵٪ از تغییرات را باعث می‌شود، در حالی که ۳۰ - ۴۰٪ تأثیرات از جانب اصلاحات سازمانی انجام می‌شود.

^۱ Bernabe

^۲ Bosch



- گونتر و لونو^۱ (۲۰۱۲) در مقاله خود تحت عنوان « اشتغال غیررسمی در کشورهای در حال توسعه: فرصت یا آخرین راه حل » اشتغال غیررسمی را در بازار کار شهری ساحل عاج بررسی کردند؛ یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد:
۱. بخش غیررسمی در بازار کار شهری ساحل عاج از دو بخش تشکیل شده است که هر بخش معادله دستمزد منحصر به فرد خود را دارد.
 ۲. یک بخش از نظر درآمد متوسط و بازده آموزش و تجربه نسبت به بخش دیگر بالاتر است.
 ۳. بخش غیررسمی برای برخی افراد یک استراتژی از آخرین راه حل برای فرار از بیکاری و برای بعضی دیگر دارای مزیت نسبی است.

رنانی (۱۳۸۴) در مقاله خود تحت عنوان «ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور» می‌کوشد با تکیه بر تجربه مطالعه بخش غیررسمی در سایر کشورها و مطالعات و رهنمودهای سازمان بین‌المللی کار و مفهومی که این سازمان ارائه کرده است، همچنین با کاربرد یک روش تلفیقی و جدید برای شناخت ساختار بخش غیررسمی، تصویر واضحی از ساختار این بخش در کل کشور ارائه کند. براساس نتایج حاصل از این مقاله بارزترین ویژگی بازار کار غیررسمی، غلبه سهم مردان نسبت به زنان، روستاییان نسبت به شهری‌ها و افراد با سطح تحصیلات کم‌تر از دیپلم، نسبت به دارندگان مدارک دیپلم و بالاتر است و ساختار شاغلان غیررسمی در اقتصاد روستایی و شهری در فعالیتهای کشاورزی شکل می‌گیرد.

کریمی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «قانون حداقل دستمزد و اشتغال غیررسمی در ایران» نشان می‌دهد که به رغم این واقعیت که متوسط سطح تحصیلات در میان زنان فعال بالاتر از مردان است، اما نسبت زنان در اشتغال غیررسمی بالاتر است. همچنین نسبت کارگران مرد در اشتغال غیررسمی نیز در دوره مورد بررسی بسیار سریع

¹ Gunther & Launov

رشد یافته است. در سال ۱۳۸۷، یک چهارم مردان و یک سوم زنان شاغل با مزدهای پایین‌تر از حداقل رسمی مشغول به کار بوده‌اند.

رنانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود تحت عنوان «شناخت ساختار اشتغال زنان در بخش غیررسمی کشور» وضعیت اشتغال زنان در این بخش را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ۲۵٪ از شاغلان بخش غیررسمی کشور را زنان تشکیل می‌دهند، در حالی که تنها ۱۰٪ مشاغل رسمی کشور به زنان اختصاص دارد. شانس حضور در بخش غیررسمی برای زنان در مقاطع تحصیلی دیپلم و بالاتر با شانس حضور مردان (با همان موقعیت) در بخش غیررسمی تفاوت چندانی ندارد. این در حالی است که در مقطع تحصیلی کم‌تر از دیپلم احتمال اشتغال در فعالیت‌های غیررسمی برای زنان بسیار بیش‌تر از مردان با موقعیت مشابه است. در بین بخش‌های غیر کشاورزی، اکثریت شاغلان غیررسمی زن در بخش صنعت فعال هستند در حالی که کم‌ترین سهم از مردان شاغل در بخش غیررسمی به بخش صنعت اختصاص یافته است.

روش پژوهش

در این پژوهش برای بررسی سهم اشتغال غیررسمی در میان زنان جوان شاغل در مشاغل مزد و حقوق بگیر، از ریزداده‌های طرح هزینه-درآمد خانوار مرکز آمار ایران، برای سال ۱۳۹۰ استفاده شد.

زنان جوان شاغل در طرح هزینه-درآمد خانوار یا جزء مزد و حقوق بگیر هستند یا در گروه مشاغل آزاد قرار می‌گیرند. در این پژوهش اشتغال غیررسمی زنان جوان در بین مشاغل مزد و حقوق بگیر بررسی شده است.

با توجه با تعاریف هفدهمین کنفرانس آماردانان کار ۲۰۰۳، که بر طبق چارچوب کلی ماتریس هازمنز مزد و حقوق بگیران در صورتی جزء مشاغل غیررسمی در نظر



گرفته می‌شوند که اشتغال آن‌ها رسماً یا عملاً به موضوع قوانین ملی کار، مالیات بر درآمد، حمایت اجتماعی یا بهره‌مندی از مزایای اشتغال ارتباطی نداشته باشد.

یکی از قوانین کار در ایران، قانون حداقل مزد است. در این پژوهش مزد و حقوق بگیرانی که حداقل مزد و بالاتر را دریافت می‌کنند دارای اشتغال رسمی و آن‌هایی که پایین‌تر از مزد و حقوق را دریافت می‌کنند جزء اشتغال غیررسمی محسوب می‌شوند. در طرح درآمد هزینه خانوار مزد یک ماه و مزد سالانه افراد موجود بود. در این پژوهش از مزد سالانه افراد استفاده شد. هر دو روش نقاط قوت و ضعفی دارند. متأسفانه میزان اشتغال در نتایج طرح به وضوح تعیین نشده است. در روش دستمزد سالانه ممکن است، در ماه‌های اولیه به جوان شاغل مزد کم‌تری پرداخت شده و در ماه‌های بعد مزد افزایش یافته باشد؛ ممکن است در کل سال فرد شاغل نبوده باشد. درباره روش دستمزد ماهانه نیز این ابهام همچنان وجود دارد که آیا فرد در ماه گذشته در تمامی روزها کار کرده است یا نه. به هر حال به فرض آن که جوان شاغل مزد و حقوق بگیر تمامی سال را به کار اشتغال داشته، میزان اشتغال غیررسمی از روش مزد سالانه محاسبه شده است.

مطابق جدول ۱، در سال ۹۰ تعداد افراد ۲۵ - ۱۵ سال نمونه ۳۵۵۱۳ نفر است که ۱۲۷۲۳ نفر جزء جمعیت فعال (مجموع شاغل و بیکار) هستند که این ۳۵/۹٪ از کل نمونه را شامل می‌شود.

تعداد شاغلان در سال ۹۰، ۷۲۳۷ نفر بوده است که ۴۶۵۹ نفر از آن‌ها در مشاغل مزد و حقوق بگیر مشغول به کار بوده‌اند.

تعداد زنان جوان (۲۵-۱۵ ساله)، نمونه ۱۶۹۱۶ نفر بود که ۸۱۶۸ نفر شهری و ۸۷۴۸ روستایی بودند. جمعیت فعال (مجموع شاغل و بیکار) زنان جوان ۲۲۴۰ نفر، یعنی از کل زنان جوان نمونه ۱۳/۲۴٪ جزء جمعیت فعال بودند. از ۸۹۷ نفر زن شاغل در سال ۱۳۹۰، ۳۹۰ نفر در مشاغل مزد و حقوق بگیر اشتغال داشتند که ۲۰۷ نفر در شهر و ۱۸۳ نفر در روستا زندگی می‌کردند. در مقابل تعداد مردان جوان ۱۸۵۹۶ نفر بود

که ۸۸۸۵ نفر در شهر و ۹۷۱۱ نفر در روستا زندگی می‌کردند. ۴۲۶۹ نفر از مردان جوان، مزد و حقوق بگیر بودند، که ۱۸۰۶ نفر در شهر و ۲۴۶۳ نفر در روستا زندگی می‌کردند. با توجه به جدول ۱ تعداد مردان جوان شاغل بیش‌تر از زنان جوان شاغل است (توزیع نمونه برحسب وضعیت فعالیت زنان در جدول ۱ آمده است).

جدول ۱: توزیع نمونه برحسب وضعیت فعالیت زنان و مکان زندگی در سال ۱۳۹۰

	شاغل		بیکار		درآمد بدون کار		محصل		خانه‌دار		سایر		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
شهری کل	۳۶۸۱	۸/۵۱	۳۶۶۳	۷/۵۱	۱۵۱	۵/۰	۳۰۹۸	۳/۶۴	۵۱۶۷	۷/۶۱	۲۵۸	۴/۴	۷۱۰۳	۱۰۰
مردان	۲۴۳۱	۴/۸۱	۲۳۵۱	۶/۱۱	۶۷	۱	۳۶۶۱	۸/۳۳	۳۴	۳/۰	۶۳۳	۵	۵۷۷۷	۱۰۰
زنان	۱۲۵۱	۳/۸	۱۳۱۲	۱/۵۸	۸۴	۷/۰	۳۰۳۷	۵/۷۳	۱۳۲۷	۵/۱	۶۰۴	۸/۸	۷۶۱۷	۱۰۰
روستایی کل	۴۵۵۳	۸/۳۱	۴۰۷۱	۲/۷۱	۴۸۱	۸/۰	۳۶۶۵	۷/۰۳	۶۷۵۳	۷/۳۱	۷۷۶	۸/۸	۶۵۳۷۱	۱۰۰
مردان	۳۱۲۱	۳/۳۳	۲۱۱۱	۷/۱۱	۸۳	۵/۰	۶۳۰۳	۳/۱۳	۵۰	۵/۰	۵۲۳	۵/۳	۱۱۷۵	۱۰۰
زنان	۱۴۳۱	۳/۸	۱۹۶۰	۷/۶	۷۷	۱	۷۳۶۲	۵/۱	۶۳۵۳	۶/۳۵	۲۵۱	۳/۸	۷۳۸۷	۱۰۰
کل نمونه	۸۸۸۵	۳/۰۲	۶۵۳۵	۵/۵۱	۲۵۱	۷/۰	۷۵۵۱	۳/۷۳	۱۵۳۳۸	۱۲	۰۳۳۱	۱/۳	۴۱۵۵۳	۱۰۰
مردان	۳۳۱۶	۱/۳۳	۳۵۱۳	۴/۸۱	۳۸۱	۸/۰	۵۱۰۸	۸/۸۳	۳۸	۳/۰	۱۷۷	۸/۳	۶۵۵۷۱	۱۰۰
زنان	۵۵۶۹	۳/۵	۳۰۲۲	۶/۸	۱۷۰	۵/۰	۲۴۴۳	۵/۷۳	۱۵۳۰۰	۶/۳۳	۶۵۵	۳/۸	۶۱۶۶۱	۱۰۰

منبع: طرح نمونه‌گیری درآمد و هزینه خانوار، مرکز آمار ایران ۱۳۹۰ و محاسبات تحقیق



با توجه به جدول ۱، نسبت اشتغال زنان جوان شهری از کل زنان جوان شهری نمونه ۳/۲٪، نسبت بیکاری ۹/۲٪، نسبت افراد دارای درآمد بدون کار ۰/۸٪، نسبت محصلان ۴۸/۵٪ و نسبت افراد خانه‌دار ۳۵٪ است. در میان جمعیت زنان روستایی، نسبت اشتغال ۷/۲٪، نسبت بیکاری ۶/۸٪ و نسبت محصلان ۳۲٪ است. نسبت اشتغال زنان جوان در روستا بیش‌تر از زنان جوان در شهر است و نسبت محصلان شهری بیش‌تر از روستایی است (جدول ۱).

از کل مردان شهری، نسبت اشتغال از کل مردان جوان شهری نمونه ۲۷/۲٪، نسبت بیکاری ۲۱/۹٪ و نسبت محصلان ۴۴/۷٪ است. در میان جمعیت مردان جوان روستایی، نسبت اشتغال ۴۰/۴٪، نسبت بیکاری ۲۲/۸٪ و نسبت محصلان ۳۱/۴٪ است (جدول ۱).

جدول ۲: توزیع نمونه برحسب جمعیت فعالیت زنان و مکان زندگی در سال ۱۳۹۰

جمعیت فعال	بیکار		شاغل		شهری کل
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
شهری کل	۵۳۷۷	۵۰/۱	۲۶۹۳	۴۹/۹	۲۶۸۴
مردان	۴۳۶۰	۴۴/۵	۱۹۴۲	۵۵/۵	۲۴۱۸
زنان	۱۰۱۷	۷۳/۸	۷۵۱	۲۶/۱۵	۲۶۶
روستایی کل	۷۳۵۶	۳۸/۱	۲۸۰۳	۶۱/۹	۴۵۵۳
مردان	۶۱۳۳	۳۶/۱	۲۲۱۱	۶۳/۹	۳۹۲۲
زنان	۱۲۲۳	۴۸/۴	۵۹۲	۵۱/۶	۶۳۱
کل نمونه	۱۲۷۳۳	۴۳/۲	۵۴۹۶	۵۶/۸	۷۲۳۷
مردان	۱۰۴۹۳	۳۹/۶	۴۱۵۳	۶۰/۴	۶۳۴۰
زنان	۲۲۴۰	۶۰	۱۳۴۳	۴۰	۸۹۷

منبع: طرح نمونه‌گیری درآمد و هزینه خانوار، مرکز آمار ایران ۱۳۹۰ و محاسبات تحقیق

توزیع نمونه برحسب جمعیت فعال، که در جدول ۲ آمده، نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در میان زنان و مردان جوان فعال به ترتیب ۶۰ و ۴۰٪ است. به سخنی دیگر هرچند یافتن شغل برای جوانان دشوار است، ولی زنان جوان در مقایسه با مردان شانس کم‌تری برای اشتغال دارند. نرخ بیکاری در میان زنان جوان در مناطق شهری (۷۴٪) بسیار بیش‌تر از مناطق روستایی (۴۹٪) است. علل پایین‌تر بودن نرخ بیکاری زنان در روستاها از یک سو نرخ مشارکت پایین‌تر و از سویی دیگر حضور گسترده زنان در فعالیت‌های کشاورزی است. نرخ بیکاری برای مردان جوان نیز در مناطق شهری (۴۴/۵٪) بیش‌تر از مناطق روستایی (۳۶/۱٪) است. مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها از عوامل مهم کاهش نرخ بیکاری در روستاها است.

بررسی داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که زنان جوان دارای سواد دانشگاهی با ۵۲/۴٪ و زنان جوان بی‌سواد با ۲٪ به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین سهم را در میان زنان شاغل شهری مزد و حقوق بگیر دارد. در میان زنان روستایی شاغل مزد و حقوق بگیر سطح تحصیلات ابتدایی با ۳۱/۵٪ بیش‌ترین و بی‌سوادی با ۱۱/۵٪ کم‌ترین سهم را دارند. در میان مردان جوان شاغل مزد و حقوق بگیر شهری و روستایی تحصیلات راهنمایی به ترتیب با ۳۴ و ۳۶/۸٪ بیش‌ترین و بی‌سوادی با ۶/۵ و ۴/۷٪ کم‌ترین سهم را در میان شاغلان دارند.

همچنین ۷۷٪ از زنان شاغل در مشاغل مزد و حقوق بگیر مجرد و ۳۳٪ متأهل هستند. در میان زنان شاغل روستایی ۷۰٪ مجرد و ۳۰٪ متأهل است و ۸۳٪ از زنان شاغل شهری مجرد و ۱۷٪ متأهل هستند. در میان مردان مزد و حقوق بگیر ۷۵/۹٪ مجرد و ۲۴/۱٪ متأهل هستند، این نرخ در میان مردان جوان شهری به صورت ۷۳/۸٪ مجرد و ۲۶/۲٪ متأهل و در مردان جوان روستایی ۷۷/۶٪ مجرد و ۲۲/۴٪ متأهل است.



سهم اشتغال غیررسمی

در این بخش با توجه به مزد ماهانه زنان شاغل در مشاغل مزد و حقوق بگیر، سهم اشتغال غیررسمی در میان زنان شاغل در مشاغل مزد و حقوق بگیر اندازه‌گیری می‌شود. مشاغلی که حداقل مزد و بالاتر را دریافت می‌کنند، رسمی و مشاغلی که پایین‌تر از حداقل مزد را دریافت می‌کنند، غیررسمی هستند.

جدول ۳: توزیع نمونه برحسب دستمزد جوانان شاغل برحسب مکان زندگی (۱۳۹۰)

روستایی		شهری		کل		
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۹۹۲	۳۷/۵	۶۴۲	۳۱/۹	۱۶۳۴	۳۵/۱	کم‌تر از ۵۰٪ حداقل مزد (مرد و زن)
۸۷۱	۳۵/۴	۵۵۰	۳۰/۵	۱۴۲۱	۳۳/۳	مرد
۱۲۱	۶۶/۱	۹۲	۴۴/۴	۲۱۳	۵۴/۶	زن
۹۱۸	۳۴/۷	۵۷۹	۲۸/۸	۱۴۹۷	۳۲/۱	بیش از ۵۰٪ و کم‌تر از حداقل مزد (مرد و زن)
۸۸۵	۳۵/۹	۵۲۸	۲۹/۲	۱۴۱۳	۳۳/۱	مرد
۳۳	۱۸	۵۱	۲۴/۶	۸۴	۲۱/۵	زن
۳۹۷	۱۵	۳۷۳	۱۸/۵	۷۷۰	۱۶/۵	حداقل مزد (مرد و زن)
۳۸۴	۱۵/۶	۳۴۴	۱۹	۷۲۸	۱۷/۱	مرد
۱۳	۷/۱	۲۹	۱۴	۴۲	۱۰/۸	زن
۳۲۹	۱۲/۴	۳۹۴	۱۹/۶	۷۲۳	۱۵/۵	کم‌تر از ۲ برابر حداقل مزد (مرد و زن)
۳۱۳	۱۲/۷	۳۶۲	۲۰	۶۷۵	۱۵/۸	مرد
۱۶	۸/۷	۳۲	۱۵/۴	۴۸	۱۲/۳	زن

روستایی		شهری		کل		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۰/۴	۱۰	۱/۲	۲۵	۰/۸	۳۵	بیش از ۲ برابر حداقل مزد (مرد و زن)
۰/۴	۱۰	۱/۲	۲۲	۰/۸	۳۲	مرد
-	-	۱/۴	۳	۰/۸	۳	زن
۱۰۰	۲۶۴۶	۱۰۰	۲۰۱۳	۱۰۰	۴۶۵۹	جمع (مرد و زن)
۱۰۰	۲۴۶۳	۱۰۰	۱۸۰۶	۱۰۰	۴۲۶۹	مرد
۱۰۰	۱۸۳	۱۰۰	۲۰۷	۱۰۰	۳۹۰	زن

منبع: طرح نمونه‌گیری درآمد و هزینه خانوار، مرکز آمار ایران ۱۳۹۰ و محاسبات تحقیق

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، از کل زنان شاغل در مشاغل مزد و حقوق بگیر در سال ۱۳۹۰، ۵۴/۶٪ آن‌ها کم‌تر از ۵۰٪ حداقل مزد، ۲۱/۵٪ بیش از ۵۰٪ و کم‌تر از حداقل مزد، ۱۰/۸٪ حداقل مزد، ۱۲/۳٪ کم‌تر از ۲ برابر حداقل مزد و ۰/۸٪ بیش از ۲ برابر حداقل مزد را دریافت کرده‌اند. سهم زنان شهری و هم زنان روستایی در مشاغلی که کم‌تر از ۵۰٪ حداقل مزد را دریافت کرده‌اند به ترتیب با ۴۴/۴٪ و ۶۶/۱٪ بیش‌ترین است. توجه به آمار نشان می‌دهد که ۷۶/۱٪ از زنان جوان در مشاغل با مزد کم‌تر از حداقل قانونی اشتغال دارند. در واقع به علت افزایش ورود زنان به بازار کار و عرضه زیاد نیروی کار و نامناسب بودن وضعیت بازار کار، زنان جوان مجبور هستند به مشاغل غیررسمی و پایین‌تر از حداقل مزد روی آورند.

مردان جوان شاغل مزد و حقوق بگیر، ۳۳/۳٪ آن‌ها کم‌تر از ۵۰٪ حداقل مزد، ۳۳/۱٪ بیش از ۵۰٪ و کم‌تر از حداقل مزد، ۱۷/۱٪ حداقل مزد، ۱۵/۸٪ کم‌تر از ۲ برابر حداقل مزد و ۰/۸٪ بیش از ۲ برابر حداقل مزد را دریافت کرده‌اند. سهم مردان شهری در مشاغلی که کم‌تر از ۵۰٪ حداقل مزد را دریافت کرده‌اند با ۳۰/۵٪ و در مردان



روستایی در مشاغلی که بیش از ۵۰٪ و کم‌تر از حداقل مزد را دریافت کرده‌اند با ۳۵/۹٪، بیش‌ترین است. در مردان جوان ۶۶/۴٪ از آن‌ها در مشاغل کم‌تر از حداقل مزد اشتغال دارند.

توجه به آمار نشان می‌دهد که وضعیت بازار کار هم در مردان و هم در زنان نامناسب است، ولی در زنان جوان نسبت به مردان وضعیت نامناسب‌تر دارند. با توجه به جدول ۴ میانگین و میانهٔ مزد هم در مردان و هم در زنان پایین‌تر از حداقل مزد است. سهم اشتغال غیررسمی زنان جوان ۷۶/۱۵٪ است که این سهم برای زنان ساکن شهر ۶۹٪ و برای زنان روستایی ۸۴/۱۵٪ است و این سهم در مردان جوان ۶۶/۴٪، در مردان جوان شهری ۵۹/۷٪ و در مردان جوان روستایی ۷۱/۳٪ است.

جدول ۴: حداقل دستمزد، میانگین دستمزد و اشتغال غیررسمی

روستایی	شهری	کل	
-	-	۳۳۰۳۰۰۰	حداقل مزد
۲۰۶۲۰۴۰	۲۴۱۰۵۸۰	۲۲۱۲۶۳۰	میانگین مزد (مرد و زن)
۲۱۱۴۷۲۰	۲۴۴۹۴۴۰	۲۲۵۶۳۲۰	مرد
۱۳۵۳۰۰۰	۲۰۷۱۵۰۰	۱۷۳۴۴۰۰	زن
۱۹۱۶۶۶۰	۲۳۳۳۳۳۰	۲۰۰۰۰۰۰	میانهٔ مزد (مرد و زن)
۲۰۰۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰	۲۰۸۳۳۳۰	مرد
۷۰۰۰۰۰	۱۵۷۱۷۵۰	۱۲۰۰۰۰۰	زن
۳۸/۱	۵۰/۱	۴۳/۲	نرخ بیکاری (مرد و زن)
۳۶/۱	۴۴/۵	۳۹/۶	مرد
۴۸/۴	۷۳/۸	۶۰	زن
۷۲/۲	۶۰/۷	۶۷	سهم اشتغال غیررسمی (مرد و زن)
۷۱/۳	۵۹/۷	۶۶/۴	مرد
۸۴/۱۵	۶۹	۷۶/۱۵	زن

منبع: طرح نمونه‌گیری درآمد و هزینهٔ خانوار، مرکز آمار ایران ۱۳۹۰ و محاسبات تحقیق

میانگین و میانهٔ مزد و همچنین سهم اشتغال غیررسمی در شهر بالاتر از روستا است. سهم اشتغال غیررسمی در زنان و روستاییان بالاتر از مردان و شهری‌ها است.

جدول ۵: توزیع نمونه برحسب مکان زندگی زنان جوان شاغل و اشتغال غیررسمی

سهم اشتغال غیررسمی در میان جوانان	شاغلین غیررسمی	کل شاغلان جوان	
۶۰/۶	۱۲۲۱	۲۰۱۳	شهری (مرد و زن)
۵۹/۷	۱۰۷۸	۱۸۰۶	مرد
۶۹	۱۴۳	۲۰۷	زن
۷۲/۱	۱۹۱۰	۲۶۴۶	روستایی (مرد و زن)
۷۱/۳	۱۷۵۶	۲۴۶۳	مرد
۸۴/۱۵	۱۵۴	۱۸۳	زن

منبع: طرح نمونه‌گیری درآمد و هزینهٔ خانوار، مرکز آمار ایران ۱۳۹۰ و محاسبات تحقیق

سهم اشتغال غیررسمی در میان زنان جوان شاغل ساکن شهر ۶۹/۰۸٪ و در میان زنان جوان ساکن روستا ۸۴/۱۵٪ است (جدول ۵). این سهم در میان مردان جوان شهری ۵۹/۷٪ و مردان جوان روستایی ۷۱/۳٪ است. سهم اشتغال غیررسمی در مردان جوان شهری و روستایی پایین‌تر از زنان جوان شهری و روستایی است که این هم‌نشان وضعیت نامناسب بازار کار برای زنان است.

همچنین نتایج داده‌ها نشان می‌دهد که سهم اشتغال غیررسمی در مردان و زنان متأهل پایین‌تر از مردان و زنان مجرد است و این سهم در مردان مجرد و متأهل پایین‌تر از زنان مجرد و متأهل است.

سهم اشتغال غیررسمی در میان زنان جوان شاغل با مدرک ابتدایی با ۹۴/۸۷٪ و در زنان با مدرک دانشگاهی با ۴۹/۲۹٪ به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین سهم را در اشتغال



غیررسمی دارند. سهم اشتغال غیررسمی در میان مردان جوان با تحصیلات ابتدایی با ۷۴/۲٪ و در مردان با تحصیلات دانشگاهی با ۵۷/۵٪ به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین سهم را در اشتغال غیررسمی دارند.

عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی

ارائه مدل

برای بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی از مدل لاجیت استفاده شده است. از آنجا که متغیر وابسته، اشتغال غیررسمی است، مدل رگرسیونی مرتبط با این گونه مسائل یک متغیر کیفی است که مقادیر صفر و یک به خود می‌گیرد.

اما وجود مشکل ناهمسانی واریانس، نرمال نبودن توزیع جمله اخلال، احتمال پیش‌بینی مقادیر خارج از محدوده صفر و یک برای متغیر وابسته و هم‌چنین پایین بودن R_2 در الگوی احتمال خطی، استفاده از مدل احتمال خطی را محدود کرده است. این مشکلات موجب شده که از مدل‌های موسوم به لاجیت و پروبیت، که دارای متغیر وابسته کیفی با مقادیر صفر و یک هستند، به‌طور گسترده‌ای در الگوهای مختلف استفاده شود (کهنسال و همکاران ۸۷).

در این مطالعه برای بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی از مدل لاجیت استفاده شد. مدل لاجیت دارای متغیر وابسته کیفی است که مقادیر صفر و یک به خود می‌گیرد و ساختار آن به صورت زیر است:

$$Z_i^* = \alpha + \beta X_i + u_i$$

که در آن Z_i^* دستمزد ماهانه شاغلان و X_i برداری از عوامل تأثیرگذار بر دستمزد است. α و β پارامترهای الگو و u_i نیز جزء خطای الگوست. اگر متغیر دیگری به نام Z_i تعریف شود که از مقادیر صفر و یک تشکیل شده باشد، چنانچه $Z_i^* > 0$ ، متغیر Z_i دارای مقدار یک و در غیر این صورت دارای مقدار صفر است. بنابراین، در مطالعه

حاضر متغیر وابسته مدل، یک متغیر صفر و یک تعریف می‌شود که شامل $Z_i=0$ برای افرادی که مزدی بالاتر یا برابر حداقل مزد (اشتغال رسمی) دارند و $Z_i=1$ برای افرادی که مزد آن‌ها پایین‌تر از حداقل مزد (اشتغال غیررسمی) است. در مجموع مدل مورد استفاده در این مطالعه به شکل زیر است:

$$+ \beta_1 X_2 + \beta_2 X_3 + \beta_3 X_4, Z_i = \alpha + \beta_0 X$$

متغیرهای توضیحی در جدول ۶ معرفی می‌شوند. بنابراین، در الگوی لاجیت مورد مطالعه، احتمال اینکه آمین فرد اشتغال رسمی (حداقل مزد و بالاتر) داشته باشد به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$P_i = F(Z_i) = F(\alpha + \beta D_i) = \frac{1}{1 + e^{-Z_i}} = \frac{1}{1 + e^{-(\alpha + \beta D_i)}}$$

با تقسیم احتمال اشتغال رسمی داشتن آمین فرد به احتمال اشتغال غیررسمی آن و گرفتن لگاریتم طبیعی از طرفین، رابطه زیر به دست می‌آید:

$$L_i = \ln \left(\frac{P_i}{1 - P_i} \right) = \alpha + \beta D_i$$

که L لگاریتم نسبت داشتن اشتغال رسمی به نداشتن آن است و برحسب D و پارامترها خطی هستند.

در ادامه، در جدول ۶ توزیع فراوانی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش برای زنان جوان شاغل آورده می‌شود. پس از آن در جدول ۷ نتایج ضرایب برآورد شده و احتمال آن‌ها ارائه شده است.



جدول ۶: متغیرهای مدل

درصد	فراوانی	متغیر	
۵۳/۱	۲۰۷	شهر: ۱	مکان زندگی: X_2D_1 (متغیر دامی)
۴۶/۹	۱۸۳	روستا: ۰	
۶/۴	۲۵	بی سواد: متغیر پایه	مدرک (متغیر دامی)
۲۰	۷۸	ابتدایی X_3D_1	
۱۴/۳	۵۶	راهنمایی X_3D_2	
۲۲/۸	۸۹	دبیرستان X_3D_3	
۳۶/۴	۱۴۲	دانشگاهی X_3D_4	وضع زناشویی X_4D_1 (متغیر دامی)
۷۶/۹	۳۰۰	مجرد ^۱	
۲۳/۱	۹۰	متاهل	
۱۰۰	۳۹۰	سن: X_1	
۷۶/۱۵	۲۹۷	اشتغال غیررسمی: ۱	اشتغال: Z
۲۳/۸	۹۳	اشتغال رسمی: ۰	

منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به جدول ۶، از کل زنان جوان شاغل در مشاغل مزد و حقوق بگیر، ۵۳/۱٪ شهری و ۴۶/۹٪ روستایی، ۶/۴٪ بی سواد، ۲۰٪ دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۴/۳٪ دارای تحصیلات راهنمایی، ۲۲/۸٪ دارای تحصیلات دبیرستان و ۳۶/۴٪ دارای تحصیلات دانشگاهی، ۷۶/۹٪ مجرد و ۲۳/۱٪ متاهل هستند.

تخمین مدل

یکی از معیارهای موجود برای بررسی معناداری مدل (صفر نبودن کلیه ضرایب)، احتمال آماره LR (این آماره به منظور بررسی معناداری مدل رگرسیون لاجیت استفاده

^۱ افراد بیوه و مطلقه نیز با توجه به ناچیز بودن تعدادشان، جزء گروه افراد مجرد محسوب شده‌اند.

می شود) است. مقدار احتمال آماره LR برابر صفر بود و چون کم‌تر از ۰,۰۱ است، نشان‌دهنده آن است که در سطح ۹۹٪، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن کلیه ضرایب رد شده و در نتیجه رگرسیون تخمین زده شده معنادار است.

نتایج تخمین اولیه مدل نشان داد سن، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان بر احتمال اشتغال غیررسمی معنادار نبوده است، بدین معنی که زنان جوان بی‌سواد یا با تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سنین مختلف به نحو تقریباً یکسانی ناگزیر به پذیرش اشتغال غیررسمی با مزدهایی کم‌تر از حداقل مزد قانونی هستند. در نتیجه این متغیرها از مدل حذف و با متغیر مکان زندگی، تحصیلات دانشگاهی و وضعیت زناشویی مدل تخمین زده شد.

متغیرهای مکان زندگی، تحصیلات دانشگاهی و وضعیت زناشویی بر اشتغال غیررسمی زنان جوان معنادار بوده است. در واقع شهری بودن، تحصیلات دانشگاهی و متأهل بودن احتمال اشتغال غیررسمی را در زنان جوان کاهش می‌دهد.

جدول ۷: نتایج برآورد الگو برای زنان جوان شاغل در سال ۱۳۹۰

اثر نهایی (dy/dx)	فاصله اطمینان			آماره Z	انحراف استاندارد	ضرایب	
	ضرایب در بازه ۹۵٪	p>z					
-۰/۱	-۰/۵۸	-۰/۳۲	۰,۰۰۰	-۶/۹۴	۰/۰۶	-۰/۴۵	X2d1
-۰/۱۲	-۰/۷۱	-۰/۳۲	۰,۰۰۰	-۵/۱۰	۰/۱ -	-۰/۵۲	X3d4
-۰/۱۷	-۰/۹	-۰/۶۲	۰,۰۰۰	-۱۰/۵۸	۰/۰۷	-۰/۷۶	X4d1
-	۱/۰۸	۱/۲۷	۰,۰۰۰	۲۴/۰۸	۰/۰۵	۱/۱۸	cons

منبع: محاسبات تحقیق

$$\text{Prob} > \text{chi}^2 = ۰/۰۰ \quad \text{LR chi}^2(\gamma) = ۱۹۹/۵۱$$

$$\text{Log likelihood} = -۲۸۴۸/۱۳۵۱ \quad \text{Pseudo R}^2 = ۰/۱۳۳۸$$



تعیین و محاسبه میزان اثرگذاری متغیرهای گوناگون در احتمال اشتغال غیررسمی با استفاده از مدل برازش شده اولیه، به علت غیرخطی بودن مدل لاجیت امکان‌پذیر نیست. محاسبه اثرات نهایی، این امکان را فراهم می‌کند که میزان اثرگذاری متغیرهای توضیحی به نحو مطلوب‌تر ارزیابی شوند. این اثر نشان می‌دهد که هرگاه متغیر مورد نظر به اندازه یک واحد (در مورد متغیرهای کیفی که به چند دسته تقسیم‌بندی شده‌اند، منظور از واحد، گروه یا رتبه یا کلاس یا درجه است) تغییر کند، احتمال اشتغال غیررسمی به چه میزان تغییر می‌کند (اسدی گرجی ۱۳۹۱).

تحلیل اثر نهایی به این صورت است که تحصیلات دانشگاهی ۱۲٪، متأهل بودن ۱۷٪ و شهری بودن ۱۰٪ احتمال اشتغال غیررسمی را کاهش می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به ورود روز افزون زنان به بازار کار، تقاضا برای کار افزایش یافته است، از طرفی بی‌توجهی به بازار کار زنان و فقدان سیاست‌گذاری‌های مناسب، باعث پذیرش مشاغل غیررسمی و غیرحمایتی و با مزدهای پایین‌تر از حداقل مزد توسط زنان می‌شود. بنابراین، بررسی وضعیت اشتغال زنان اهمیت خاصی دارد.

در مقاله حاضر با استفاده از ریز داده‌های مربوط به طرح درآمد - هزینه خانوار در سال ۱۳۹۰، سهم و عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی زنان جوان در سال ۱۳۹۰، بررسی شد.

براساس نتایج به‌دست آمده از ریز داده‌های طرح درآمد - هزینه خانوار در سال ۱۳۹۰، نرخ بیکاری در میان زنان جوان ۶۰٪ بوده است که این نرخ در میان زنان جوان روستایی ۴۸/۴٪ و در میان زنان جوان شهری ۷۳/۸٪ است. پایین‌تر بودن نرخ بیکاری در روستا به دلیل نرخ پایین مشارکت و حضور زنان در فعالیت‌های کشاورزی است. سهم اشتغال غیررسمی زنان جوان ۷۶/۱۵٪، که این سهم در روستا ۸۴/۱۵ و در شهر ۶۹٪ است.

در مدل لاجیت متغیرهای مکان زندگی (شهر یا روستا) وضع سواد (ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، دانشگاهی)، وضعیت زناشویی (مجرد یا متأهل) و سن بررسی شد. در تخمین اولیه مشخص شد بین سن، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و احتمال اشتغال غیررسمی رابطه معناداری نبوده است؛ بدین معنی که زنان جوان با تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سنین مختلف به نحو تقریباً یکسانی ناگزیر به پذیرش اشتغال غیررسمی با مزدهایی کم‌تر از حداقل مزد قانونی هستند. در نتیجه این متغیرها از مدل حذف و با متغیر مکان زندگی، تحصیلات دانشگاهی و وضعیت زناشویی مدل تخمین زده شد.

متغیرهای تحصیلات دانشگاهی، وضعیت تأهل و مکان زندگی تأثیر معناداری بر احتمال اشتغال غیررسمی دارند. تحصیلات دانشگاهی ۱۲٪، متأهل بودن ۱۷٪ و شهری بودن ۱۰٪ احتمال اشتغال غیررسمی را کاهش می‌دهند. در واقع به طور مثال در افراد مجرد احتمال اشتغال غیررسمی ۱۷٪ بیش‌تر از افراد متأهل است.

منابع

اسدی گرچی، حسین (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری مشتریان بانک‌های تجاری (مطالعه موردی بانک تجارت شهر نکا - استان مازندران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران، بابلسر.

رنانی، محسن (۱۳۸۴). ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور. مجله اقتصادی، ۵۰: ۳۸ - ۲۱.

رنانی، محسن، اربابیان، شیرین و میرزایی، محمد (۱۳۹۰). شناخت ساختار اشتغال زنان در بخش غیر رسمی کشور، فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه، بهار ۱۳۹۰: ۶۲ - ۳۹.

رضوانی، سید عارف (۱۳۸۴). بررسی اندازه و ساختار اشتغال غیررسمی شهری در استان قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان.



سازمان بین المللی کار، ژنو (۱۳۸۳). *کارشایسته و اقتصاد غیررسمی*، ترجمه محمد ضیائی بیگلری: تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.

عیسی زاده، سعید و شمس فخر، فرزانه (۱۳۹۱). نقش اشتغال غیررسمی در بازار کار، ماهنامه *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۱۳۹۱، ۲۱۹، ۱۷۵ - ۱۶۸.

کریمی، زهرا. (۱۳۹۰). قانون حداقل دستمزد و اشتغال غیررسمی در ایران، *اولین همایش ملی اقتصاد ایران*. دانشگاه تهران.

کهنسال، محمدرضا، قربانی، محمد و رفیعی، هادی (۱۳۸۷). بررسی عوامل محیطی و غیرمحیطی مؤثر بر پذیرش آبیاری بارانی. *اقتصادکشاورزی و توسعه*، ۶۵.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). ریز داده‌های طرح درآمد - هزینه خانوار سال ۱۳۹۰.

- Bernabe, s. (2002). *A profile of Informal Employment: the Case of Georgia. Working Paper, ILO, Geneve.*
- Bosch, M., Goni-Pacchioni, E., & Maloney, W. (2012). Trade liberalization, labor reforms and formal – informal employment dynamics. *Labour Economics*, 19, 653 – 667.
- Funkhouser, E. (1996). The Urban Informal Sector in Central America; Household Survey Evidence. *World Development*, 24, 1737 – 1751.
- Gunther, I., & Launov, A. (2012). Informal employment in developing countries opportunity or last resort?. *Journal of Development Economics*, 97, 88 – 98.
- Husmanns, R. (2004). Measuring the informal economy: From employment in the informal sector to informal employment. *Integration Working Paper*, 53.
- Husmanns, R. (2001). Informal sector and informal employment: elements of a conceptual framework. In *Fifth Meeting of the Expert Group on Informal Sector Statistics (Delhi Group)*, New Delhi, 19-21.
- International Labour Office (2000): Resolution concerning statistics of employment in the informal sector, adapted by the Fifteenth International Conference of Labour Statisticians – Iubell, H. The informal sector in the 1980 s and 1990 s. paris: OECD Development center.

نویسندگان

zakarimi@umz.ac.ir

زهرا کریمی موغاری

دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه مازندران (بابلسر) از سال ۱۳۸۰ و دارای بیش از ۲۰ مقاله علمی، ۴ کتاب منتشر شده و علاقمند به حوزه بازار کار و نهادگرایی.

jahantighelham@yahoo.com

الهام جهان تیغ

فارغ التحصیل علوم اقتصادی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه مازندران (۱۳۹۲)، علاقمند به حوزه بازار کار و نهادگرایی.

